

## گفتمان سیاسی شیعی؛ جهانی شدن و بازتولید سلفی‌گری معاصر

محمد رضا کلان فریبایی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی / [Kalanfaribaei@gmail.com](mailto:Kalanfaribaei@gmail.com)  
مرتضی شیروی / دانشیار پژوهشکده علوم سیاسی پژوهشگاه امام صادق علیه السلام / [dshirody@yahoo.com](mailto:dshirody@yahoo.com)  
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۲/۱۳ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۰۵/۰۳

### چکیده

حکومت‌های اقتدارگرا و متکی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه، با ایجاد محرومیت در زندگی شهروندان خود، زمینه واگرایی‌های ایدئولوژیک و سیاسی را به دلیل مطالبات دموکراتیک میان آنان فراهم کرده‌اند. چالش میان دو گفتمان سیاسی شیعی و تسنن رادیکال، از این زاویه قابل تحلیل است. این واگرایی به وسیله سرویس‌های اطلاعاتی برخی کشورها، با هدف تضعیف سیادت سیاسی جهان اسلام، در حال توسعه است. جنبش‌های اسلامی، در نقاط مختلف خاورمیانه با رویکرد دموکراتیک برای برون‌رفت از این بحران اجتماعی، در صدد کسب جایگاه واقعی خود هستند. پژوهش حاضر، به این سؤال پاسخ می‌دهد که گفتمان سیاسی شیعی و جهانی شدن با رویکرد دموکراتیک، در بازتولید سلفی‌گری معاصر چه تأثیری داشته است؟ گمانه‌زنی این مقاله بر آن است که روند تکامل در چارچوب نظری و ساختار عملی گفتمان سیاسی شیعه و پیوند آن با گفتمان جهانی، موجب رقابت گفتمان تسنن رادیکال با آن شده و روند ضددموکراتیک تسنن رادیکال، بحران در جهان اسلام را افزایش داده و خشونت در منطقه و جهان را تشدید کرده است. دستیابی به هم‌گرایی دموکراتیک به عنوان یک راه‌کار برای گفتمان‌های یادشده می‌تواند در برون‌رفت از بحران سودمند باشد. داده‌های منابع اصلی از طریق مطالعات تاریخی به شیوه میان‌رشته‌ای، دستیابی به تقریب گفتمان‌ها را میسر خواهد کرد. گسترش صلح و هم‌زیستی جهانی و توسعه هم‌گرایی دموکراتیک اسلامی، در عرصه نظری و عملی، در جهت تأمین منافع جریان‌های درگیر، دستاورد این مقاله خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: گفتمان، شیعه، جهانی شدن، هم‌گرایی، خاورمیانه، رادیکالیسم، دموکراسی.

## مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و به دنبال آن تغییر معادلات سیاسی جهان، نزاع مکتب‌های فکری و سیاسی در خاورمیانه به اوج خود رسید و نگاه پژوهش‌گران جهانی به سوی آن جلب گردید. تأسیس شاخه‌های علمی، نظیر شرق‌شناسی، اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی، به همراه نگارش صدها کتاب، مقاله، رساله و راه‌اندازی مؤسسات مطالعاتی هم‌چون مطالعات خاورمیانه و مطالعات شیعه‌شناسی، تنها بخشی از اقداماتی بود که در بلوک شرق و غرب به منظور شناخت پایه‌های فکری و درک باورهای دینی و مذهبی مسلمانان و به‌ویژه گفتمان سیاسی شیعی، در جهان معاصر انجام گرفت. مطالعات به گونه‌ای سریع و فراگیر در تمامی ابعاد مذهب تشیع پیش رفت که حتی دانش‌پژوهان جهان اسلام، گاه مطالعه کتاب‌ها و مقالات غربی را گریزناپذیر می‌یافتند و بر تحقیقات بومی ترجیح می‌دادند. در این میان، رابطه قدرت‌های غربی نیز به دلیل رشد قدرت ایدئولوژیک گفتمان سیاسی شیعه به‌ویژه در چند دهه پس از فروپاشی بلوک شرق به چالش گرایید. این معضل، به دلیل فقدان راهبردهای گفتمانی، سبب گسترش نفرت نسبت به بلوک سیاسی غرب و ایجاد فاصله میان گفتمان شیعی و گفتمان غرب شد. از سوی دیگر، پارادایم سیاسی اهل سنت رادیکال نیز در واکنش به تحولات در حال رشد گفتمان سیاسی شیعه، به مقابله تاریخی با آن روی آورد و به همین دلیل، تقابل ایدئولوژیک دو گفتمان اسلامی، زمینه‌آگرایی در جهان اسلام را تشدید کرد. بنابراین تحلیل ریشه‌های این بحران و کشف راه‌کار برون‌رفت از آن، از مسائل نیم قرن اخیر در تاریخ معاصر جهان اسلام، به‌ویژه در ایران اسلامی به شمار می‌آید. در پیشینه این مبحث، متفکران و نویسندگان مسلمان و غیرمسلمان نظریه‌پردازی کرده‌اند؛ مانند محمود حکیمی

(بحران‌های عصر ما)، اسپوزیتو (جنبش‌های اسلامی معاصر)، راینهارد (انقلاب در اسلام) و (جهان اسلام در قرن بیستم). از مسائل مهم در این زمینه، تحلیل دکتر حمید احمدی (جامعه‌شناسی سیاسی) است که ترکیب جنبش‌های اسلامی را از دلایل افزایش خشونت می‌داند، ولی نوآوری این مقاله، بر این تأکید دارد که گفتمان سیاسی شیعه در فرایند رشد خود با مدل سازگار با نظام بین‌الملل یعنی دموکراتیزه‌سازی، به این عرصه قدم نهاده است و با پرهیز از هرگونه تحجر و جمود، به مسیر خود ادامه می‌دهد و بخش زیادی از موفقیت‌های به‌دست آمده را درگرو این رویکرد تلقی می‌کند.

### سؤال و هدف مقاله

پژوهش حاضر، به این سؤال پاسخ می‌دهد که گفتمان سیاسی شیعی و جهانی‌شدن، با رویکرد دموکراتیک، در بازتولید سلفی‌گری معاصر چه تأثیری داشته است؟ گمانه‌زنی این مقاله بر آن است که روند تکامل در چارچوب نظری و ساختار عملی گفتمان سیاسی شیعه و پیوند آن با گفتمان جهانی، موجب رقابت گفتمان تسنن رادیکال با آن شده و عملکرد دموکراتیک گفتمان شیعه، روند ضددموکراتیک تسنن رادیکال را به چالش کشیده است. همین مسأله، بحران در جهان اسلام را افزایش داده و خشونت در منطقه و جهان را تشدید کرده است. دستیابی به هم‌گرایی دموکراتیک به عنوان یک راه‌کار برای گفتمان‌های یادشده می‌تواند در برون‌رفت از بحران مؤثر باشد. هم‌چنین حمایت از تحقق عدالت اجتماعی و اعطای سهم به همه بازی‌گران اجتماعی بر اساس عدالت اجتماعی اسلام، از دیگر اهداف این پژوهش است.

## تعریف مفاهیم

گفتمان، ترجمه واژه (Discours) در زبان فرانسوی و مشتق از واژه (Discursus) در زبان لاتین، به مفهوم «گذر یا حرکت» است. دیسکورس، تداعی‌کننده دیالکتیک، عقل و یا سیستم است. گفتمان به معنای مجموعه یا دستگامی بینشی است که از راه واژگان و گفتارهای نهادینه‌شده، بر ذهنیت‌ها اثر می‌گذارد و گاه حتی بر آگاهی یک دوران تاریخی نیز سایه می‌اندازد. گفتمان به معنای پرداختن مفصل و جزء به جزء یک موضوع، در قالب نوشتن یا گفتن است. گفتمان با جنبه فاعلی یک چارچوب زبانی سروکار دارد که طی آن، فاعل و یا روایت‌گر، با گذر از واژه‌های یک زبان و ارتباطات میان آن، می‌تواند به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، با اثرگذاری بر ساختار زبان، کنترل آن را در دست خویش گیرد و در جهت گرایش خویش، به پیش برد. گفتمان، اصطلاحی است که در زمینه‌ها و رشته‌های گوناگونی چون: فلسفه، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و زبان‌شناسی، به‌طور گسترده به کار می‌رود و نظریه‌پردازان، دیدگاه‌های گوناگونی را درباره دامنه، مفهوم، نقش و کارکرد آن مطرح کرده‌اند. نظریه گفتمان نظریه‌پردازان پست‌مدرن، وارد عرصه سیاسی و مطبوعاتی کشور ما شده است. بنابراین واژه «گفتمان»، به معنای کلیت ساختاردهی شده از عمل مفصل‌بندی است و فهم انسان از واقعیت‌های جهان را تشکیل می‌دهد.

گفتمان سیاسی شیعه نیز شامل مقطع زمانی آغاز عصر غیبت تا عصر جمهوری اسلامی ایران، به مفهومی اطلاق می‌شود که دنبال نشان دادن مراحل تحول فکری و اجتماعی در تاریخ تشیع است و در اندیشه سیاسی شیعه، تغییرات اساسی را بیان می‌دارد. (کدیور، ۱۳۸۷، ص ۴۵۴)

جهانی‌شدن، فرایندی است که از جایی شروع می‌شود و با پیشرفت علم و فن‌آوری، راه خود را می‌پیماید و پیش می‌رود. بعضی این مفهوم را پروسه طبیعی، و

عده‌ای آن را پروژه و طرحواره غربی می‌دانند. (کیانی، ۱۳۸۰) ترویج اندیشه جهان وطنی در سطح روابط میان ملل و اقوام، ارتقای دموکراسی و رشد فرهنگ سیاسی در سطح جهان، تبدیل اقتدار سنتی جوامع به قدرت نظام‌مند و رقابتی، گسترش حقوق شهروندی، تقویت و رشد آگاهی در جامعه مدنی، تحول در بینش‌های سیاسی، تغییر شیوه نگرش به حیات سیاسی، شکل‌گیری ایستارهای تکثرگرا و صداقت‌گرا در روابط ملت‌ها و دولت‌ها، ارزش‌های سیاسی در سطح کلان و بین‌المللی و نهادمند شدن تکثر و آزادی انتخابات در قالب مدل‌های توسعه سیاسی و جامعه مدنی، بخش چشم‌گیری از آثار جهانی‌شدن در عرصه سیاسی در سطح جهان است. جوهره اصلی تمدن و فرهنگ در عصر جهانی‌شدن، ترکیبی از فن‌آوری نظام‌های ارتباطی جهانی، همراه با تولید، انتقال و پردازش اطلاعات و حاکمیت دموکراتیک در جهان است. برخی محققان نیز آثار خود را با موضوع جهانی‌شدن از منظر تحلیل گفتمانی نگاشته‌اند. (حقیقت، ۱۳۹۱، ص ۶۶۳) جهانی‌شدن دارای تاریخچه مشخصی در ادبیات سیاسی و بین‌المللی است و شاخصه‌های متعددی دارد. یکی از این شاخصه‌ها، جهانی‌شدن (universalism) است و این جریانی برگشت‌ناپذیر به شمار می‌رود. در مدل تفکری گیدنز، جهانی‌شدن، موقعیت ویژه‌ای دارد. او دنبال درک درستی از این معناست. (آنتونی گیدنز، ص ۳۲)

سلفی‌گرایی معاصر و یا تسنن رادیکال، مفهومی است که به گروه‌های وابسته به ایدئولوژی سلفی‌گری مانند طالبان، القاعده، النصره و داعش اطلاق می‌شود که در نقش یک کاتالیزور در جهان اهل تسنن، برای تخلیه خشم خود در برابر تحولات جهان معاصر ظاهر شده و با حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و دولت‌های مستبد، در حال توسعه خشونت و افراطی‌گری در خاورمیانه است. خاستگاه فکری سلفی‌گری معاصر، به جریان‌های خردگرای موجود در جهان اسلام بازمی‌گردد. (اسماعیلی، ۱۳۸۶، ص ۲۳)

## چارچوب نظری

داده‌های تحول‌گفتمان سیاسی شیعه در قرن بیستم، حاکی از آن است که بر خلاف دوره حضور امام معصوم علیه السلام در دوره غیبت، گفتمان سیاسی شیعه پرتنوع شده و رویکرد دموکراتیک جهانی پیدا کرده است. مهم‌ترین تحول گفتمان شیعه در آغاز قرن بیست‌ویکم، تحول از سیاست‌گریزی و تمایل به ضرورت دخالت در مسائل سیاسی با هدف تشکیل حکومت اسلامی است. از این رو، گفتمان ولایت فقیهان عادل، گفتمان سیاسی غالب شیعه در این دوره است که با پیروزی انقلاب اسلامی، به گفتمان حاکم در ایران تبدیل شد. این گفتمان با چنین رویکردی، باعث تحریک رقیب گردیده و آن را وادار به تقابل نموده است. (موسوی، ۱۳۸۷، ص ۳۲)

انباشت تجربیات تاریخی اندیشه‌وران شیعه، آراء ابتکاری و سرمایه‌گران قدر چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، باعث گردید که زمینه‌های درک درست مفاهیم و نهادهای سیاسی مدرن در گفتمان سیاسی شیعه فراهم شود. (بابی سعید، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸) به این ترتیب، شیعیان برای اولین بار، توانسته‌اند با استفاده از ابزار اجتهاد، مهم‌ترین چالش‌های رودرروی خود ناشی از ادامه روند تنازع و برخورد سنت و مدرنیته را پاسخ دهند و از مرحله تقلید از مدل‌های وارداتی، وارد مرحله تأسیس، یعنی بومی‌سازی و نظریه‌پردازی شوند. به همین دلیل، نظریه‌پردازی در زمینه ساختار حکومت اسلامی در عصر حاضر، از آثار گفتمان نوین سیاسی شیعه با مدل دموکراتیک است. (کمالی، ۱۳۸۶)

دموکراسی‌خواهی به عنوان یکی از مطالبات جدی اغلب جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام، عنصری مهم تلقی می‌شود که در برون‌رفت از بحران سیاسی در جهان اسلام، به عنوان یک ابزار سیاسی نگه‌دارنده مردم، نقشی عمیق و گسترده در عرصه اجتماعی، دارد. (راینهارد، ۱۳۸۹، ص ۲۳۱) ولی جریان تسنن رادیکال به عنوان یک

اقلیت، موافق این روند نبوده و تلاش می‌کند حرکت دموکراتیزه‌سازی را متوقف نماید و بر اساس آموزه خلافت و یا سیستم پادشاهی، اهداف سیاسی خود را در جنبش‌ها دنبال کند. (اسپوزیتو، ۱۹۹۶، ص ۳۲)

بنابراین به اعتقاد نگارنده، باید اذعان داشت که تحولات روی داده در منطقه، توانسته است هم‌گرایی جریان‌های شیعی در جهان اسلام را تقویت نماید و گفتمان سیاسی شیعه را به قدرت دموکراتیک و تأثیرگذار در عرصه جهانی تبدیل سازد. سقوط حکومت‌های استبدادی و برقراری نظام‌های دموکراتیک نیز در جهان اسلام، به نقش‌آفرینی بیشتر شیعیان در ساختار قدرت و حکومت انجامیده و موجب تغییر در وزن سیاسی و منزلت ژئوپلیتیک خاورمیانه شده است. در نتیجه، تسنن رادیکال اقلیت، به دلیل مخالفت با دموکراسی و گرفتار شدن در حباب تئوری بحران مشروعیت در مقابل گفتمان شیعه، مقاومت خود را با شعار استعمارستیزی افزایش داده است. پس نه‌تنها ترکیب غرب و شرق عربی عامل افزایش خشونت است، بلکه خلأ تئوریک در عرصه سیاسی - اجتماعی و اتخاذ سیاست‌های متضاد با دموکراسی خواهی، می‌تواند از عوامل مهم تحرکات خشونت‌آمیز در نظر گرفته شود که بر خلاف اصول اسلامی پدیده اسلام‌هراسی را به وجود آورده است. (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴)

در صورت تشدید اختلافات مذهبی، تهدیدات امنیتی ناشی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای و نگرانی ناشی از به خطر افتادن دموکراسی صنعتی جهان، خاورمیانه را نیز با خطر پردامنه‌ای مواجه خواهد کرد. همه باید بدانند که همان‌گونه که «وحدت تمدنی» مایه پیشرفت است، «وحدت دینی یا مذهبی» نیز همان نقش را خواهد داشت. نصوص دینی نیز اهتمام فراوانی به موضوع اتحاد و هم‌صدایی پیروان مذاهب داشته‌اند؛ از جمله قرآن کریم به مسلمانان توصیه می‌کند: «همگی به ریسمان خدا

چنگ بزنید و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یک‌دیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد...»<sup>۱</sup>

اما اختلاف مذهبی به هر شکل در بسیاری از موارد، به نزاع‌ها و جنگ‌های ویران‌گری دامن زده و گاهی به شکل‌گیری قدرت سیاسی تازه‌ای انجامیده و در ویران‌گرترین مورد، به نابودی یک تمدن منتهی شده است. منازعات قومی و یا مذهبی در سده‌های گذشته، از علل رکود تمدن اسلامی است. در تداوم همین منازعات بود که قدرت دنیای اسلام رو به ضعف نهاد و تمدن نوپای اسلامی یا «عصر زرین اسلامی» به ورطه انحطاط و واگرایی افتاد.

در تبیین روش، لازم است بدانیم که «مکتب آنال»، تأثیر بسیاری در زمینه‌های استفاده از روش‌های علوم اجتماعی با ترجیح جنبه‌های اجتماعی نسبت به جنبه‌های سیاسی و دیپلماتیک در پژوهش‌های تاریخی داشته است. مکتب آنال (Annales School)، به روش گروهی اطلاق می‌شود که با شیوه تاریخی در قرن بیستم، بر تاریخ طولانی‌مدت اجتماعی در تحلیل پدیده‌ها تأکید دارد. روش تاریخ تام و کامل، اصلی‌ترین روش مکتب آنال است که تمام آثار مشهور این مکتب، بر اساس این روش تدوین و نگاشته شده است. منظور از تاریخ تام یا کامل، نه تاریخ کل جهان، بلکه به معنای ادغام همه انواع روش‌های تاریخ با نگاه میان‌رشته‌ای به آن‌هاست، به گونه‌ای که از گسست در امان باشیم؛ به عبارت دیگر، پدیده‌ای در گستره زمانی طولانی با یک رهیافت ساختاری - متمرکز بر پیوستگی‌ها و نظام‌ها، تکامل را به ارمغان آورد. (حقیقت، ۱۳۹۱، ص ۵۹۷) تحلیل گفتمانی جهانی‌شدن از نشانه‌های تأثیرگذار در

۱. وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (آل عمران / ۱۰۳)



زندگی سیاسی است که در مکتب آنال با هدف ایجاد هم‌بستگی میان ملل به کار رفته است. به نظر می‌رسد در سیر تحول تاریخی، مراحل آغازین و تثبیت در این فرایند، نظام «وستفالی» بخشی از جهانی‌شدن است.<sup>۲</sup> برخی مانند فرکلاف، معتقدند کاربست جدید قدرت، ما را با جهانی‌شدن گفتمان روبه‌رو می‌کند؛ این بدان معناست که آنچه در یک مکان اتفاق می‌افتد، در افق جهانی انعکاس می‌یابد. (حقیقت، ۱۳۹۱، ص ۶۶۵)

چون به نظر می‌رسد میان نظریه گفتمان و تاریخ‌گرایی، تضاد وجود داشته باشد، در مکتب آنال، نفی جوهرگرایی و نفی فراروایت‌ها، مفروض گرفته شده است. به دلیل این‌که بازی‌گران اجتماعی در جهان اسلام، همواره دنبال منافع خود هستند، این هدف می‌تواند در تحلیل گفتمانی، بهترین گزینه‌ها را پیدا کند و در مکتب آنال نیز بر اساس نفی جوهرگرایی، می‌تواند دنبال تکامل باشد نه گسست تاریخی. باید بپذیریم که سنت فکری ما در جهان اسلام (قرائت‌های موجود از متون مقدس نه کتاب و سنت)، نیازمند بازخوانی و نقد است. به همین دلیل، فهم گفتمانی تاریخ اسلام، می‌تواند در این خوانش جدید مؤثر باشد. در چارچوب نظری مکتب آنال، با استفاده از روش‌های علوم اجتماعی و ادغام همه روش‌ها و جنبه‌های آن، در یک رهیافت ساختاری متمرکز و مبتنی بر زمان، پیوستگی‌ها و نظام‌های جامعه اسلامی می‌تواند هم‌سو با نظام بین‌الملل نهادینه شود. برای فهم این مسأله باید بدانیم که در دهه‌های اخیر، چهار گرایش عمده در این مکتب هم‌سو با این زمینه‌ها وجود داشته است:

---

۲. «پیمان وستفالی»، پیمان‌نامه‌ای است که پس از پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی در اروپا (۱۶۱۸-۱۶۴۸م) میان کشورهای اروپایی در ۱۶۴۸ میلادی بسته شد. در این پیمان، تمام کشورهای اروپایی به جز بریتانیا و لهستان شرکت داشتند. وستفالی نخستین پیمان صلح چندجانبه پس از رنسانس در اروپاست. این پیمان، در نهایت به قانون بین‌الملل انجامید. صلح وستفالی، پایه سازمان ملل متحد گردید.

۱. جغرافیای تاریخی؛

۲. رهیافت جهانی؛

۳. روش مقایسه‌ای؛

۴. رهیافت میان‌رشته‌ای.

این گرایش‌ها، در پارادایم فکری غرب به صورت پیوسته، انسجام و هم‌گرایی را به تدریج جایگزین و آگرایی و گسست تاریخی کرده و منافع ملی کشورهای غربی را بر مصلحت‌اندیشی آنان ترجیح داده است. در بررسی روش‌شناسی مکتب آنال، تقسیم‌بندی زمان از دیدگاه «فرناند برودل»، یکی از ویژگی‌های مهم این مکتب شناخته می‌شود. وی به طور کلی، زمان را به سه سطح تاریخی تقسیم می‌کند. این سطح از تاریخ، جریان بسیار کندی دارد و به گونه‌ای می‌توان آن را «زمین تاریخ» «Geohistory» نامید. در این زمان بررسی و پژوهش به طور کلی، درباره تمدن‌ها، انسان‌ها و فناوری‌های پایدار با تاریخ درازمدت یا ساختاری جریان می‌یابد و نسبت به تاریخ اجتماعی، اقتصادی، گردش‌های جمعیتی و ناحیه‌ها، جوامع و ایدئولوژی‌ها، تاریخ میان‌مدت یا ترکیبی را به کار می‌گیرد. این زمان، آهنگ آرامی دارد و به تحولات اجتماعی و اقتصادی وابسته است. یکی از دشواری‌های مهم تاریخ کوتاه‌مدت، خطر تبدیل شدن به نوعی وقایع‌نامه است، حال آن‌که تاریخ درازمدت، سمت و سوی ساختاری دارد؛ یعنی از چگونگی سازمان‌یابی رویدادهای بسیاری در دوره‌های زمانی مختلف ناشی می‌شود. پذیرش تاریخ درازمدت، به معنای آمادگی تغییر هر چیز است: از اندیشیدن درباره سبک نوشتن و ارائه مطلب گرفته تا پذیرش زمانی که ممکن است در حد بسیار زیاد کند باشد؛ بنابراین بر اساس چند متغیر به‌کاررفته در این مقاله در عطف به پارامتر کلی روش آنال، می‌توان به تحلیل مسأله‌محوری این پژوهش پرداخت که عبارتند از:

### الف. گفتمان اسلام‌گرایی سیاسی جهانی شیعه

در تبیین متغیر نخست، باید بدانیم که جهانی‌شدن (Globalization)، به بخشی از واژگان روزمره تبدیل شده است. (دهقان، ۱۳۸۶) دگرگونی‌ها و تلاطم‌ها، در بخش‌های عمده‌ای از جهان هم‌چنان مانند گذشته گام‌های ابدی برمی‌دارند. واگرایی جهانی‌شدن را می‌توان در موضوعاتی از قبیل جنبش‌های مردمی و مسائل مربوط به استبداد و دموکراسی، افراط‌گرایی و تروریسم منطقه‌ای، مشاهده کرد. اگر تبیین جامع از فرایند جهانی‌شدن نیاز استراتژیک نباشد، دست‌کم می‌توان گفت که ضرورتی اخلاقی است که از رسالت جامعه‌شناسی برمی‌خیزد.

تبیین و تحلیل گفتمان سیاسی شیعه در عطف به روند جهانی‌شدن (با تأکید بر دیدگاه‌های فقهای شیعه دوازده‌امامی)، شاخص تحول و تغییر در تاریخ حدود ۱۲۰۰ ساله مکتب تشیع را نشان می‌دهد. تأکید اصلی در این مقوله، بر گزاره‌ها، مفاهیم و قرائت‌های جدیدی است که فقهای شیعه، در ادوار مختلف تاریخی، از سیاست و مسائل سیاسی جامعه ابراز کرده‌اند. به این ترتیب، هفت دوره گفتمانی در اندیشه سیاسی شیعه از هم تفکیک و تبیین شده است:

۱. گفتمان «سلطان جائر / سلطان عادل» در دوره آغاز عصر غیبت تا شروع دوره صفویه؛
۲. گفتمان «حکومت شاه شیعه / ولایت فقیه عادل» در عصر صفویه؛
۳. گفتمان «سکوت» از پایان عصر صفویه تا ابتدای قاجار؛
۴. گفتمان «ولایت عامه / سلطنت مأذون» از ابتدای عصر قاجار تا دوره مشروطه؛
۵. گفتمان «سلطنت مشروطه / مشروطه مشروعه» در عصر مشروطه؛
۶. گفتمان «سیاست‌گریزی» از عصر پهلوی تا شکل‌گیری مقدمات انقلاب اسلامی؛
۷. گفتمان «مبارزه عملی برای تحقق حکومت اسلامی» از شکل‌گیری مقدمات انقلاب اسلامی تا پیروزی انقلاب اسلامی.

در این فرایند، این فرضیه تقویت شده که تغییر نگرش علمای شیعه نسبت به قدرت سیاسی، فرآورده‌ای تاریخی است نه ذاتی و تغییرناپذیر، (همان، ص ۴۵۶) پرسش‌های اساسی مانند آیا اندیشه سیاسی شیعه نسبت به سابقه خویش با گسست همراه بوده یا تداوم یافته، در این حوزه وجود دارد که نظریه‌پردازان به همه این پرسش‌ها، پاسخ مناسب داده‌اند. (درخشه، ۱۳۸۴، ص ۲۷)

بی‌تردید سخت‌ترین و بحرانی‌ترین دوره در تاریخ تشیع سال‌های ۲۶۰-۳۲۹ قمری با عنوان دوره غیبت صغرا شناخته می‌شود که جامعه شیعه، ناگهان با اختلافات بزرگی مواجه گردید؛ اما متکلمان شیعه، دو وظیفه مهم شامل دفاع از مکتب در برابر حملات دشمنان و عرضه تفسیری جدید از مبانی بنیادی تشیع را به دوش گرفتند و مکتب را در مسیر تکامل قرار دادند. برخی متفکران در موضوع تجدید و تجدد در اسلام، با اشاره به نقش متجددان، موضوع پراهمیت مهدویت را نیز بدان افزوده‌اند. (مودودی، ۱۳۸۳، ص ۶۱)

استقرار نمادهای اصلی شیعه در عراق و ایران و پراکندگی جمعیت شیعه در قلمرو خاورمیانه نظیر کشورهای حوزه خلیج فارس و هلال خصیب به اضافه یمن، ترکیه، سوریه، لبنان، افغانستان، پاکستان و آذربایجان و تسلط آنان بر بخشی از منابع انرژی منطقه خاورمیانه، نقش برجسته‌ای در فرایند پیشرفت تاریخی گفتمان سیاسی جهانی شیعی، داشته و در هم‌گرایی جهانی ایفای نقش کرده، به‌گونه‌ای که این منطقه به مرکز ایده‌ها و تفکر جهانی شیعه، مبدل شده است.

ایران به عنوان مهم‌ترین جغرافیای گفتمان سیاسی شیعی، به دلایل مختلف مانند قرار گرفتن در آسیای غربی و داشتن بیشترین مرز با خلیج فارس و تنگه راهبردی هرمز و قرار داشتن در حلقه پیوند مناطق آسیای جنوبی، آسیای مرکزی، قفقاز و خلیج فارس، و وجود منابع معدنی ارزشمند از جمله نفت و گاز، دارای موقعیت ویژه

راهبردی در این فرایند است که در بخشی از هارتلند جغرافیایی - سیاسی جهان قرار گرفته و خود را به «تئولند» جهان اسلام پیوند داده است.

با نگاهی به اقدامات ایران و سایر شیعیان در بحرین و لبنان و نیز افزایش حضور شیعیان در پارلمان کویت، قطر و شهرداری‌های مناطق شرقی عربستان و حوادث داخلی یمن، می‌توان نتیجه گرفت که گفتمان سیاسی جهانی شیعه با تکیه بر عقلانیت سیاسی - اجتماعی خود، با رویکرد جهانی‌شدن، مترصد موقعیت‌هایی حساس بوده و در صدد کسب جایگاه واقعی خود در فرایند جهانی‌شدن، در مسیر تحول نوین است. (اسپوزیتو، ۱۳۹۲، ص ۲۴)

با همین فلسفه اجتماعی، شاهد افزایش حضور شیعیان در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در دو دهه آغازین قرن بیست و یک هستیم. جایگاه شیعیان در منطقه خاورمیانه که در گذشته به عنوان "شیعیان فراموش‌شده" از آن یاد می‌شد (گراهام فولر و رند رحیم فرانکه، ۱۳۸۵، ص ۴۶) دچار تغییر شده است. چند رویداد مهم دیگر، در تشدید جهانی‌شدن گفتمان سیاسی شیعی با روند دموکراتیک تأثیرگذار بوده است؛ از جمله: سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ و سقوط حکومت صدام در سال ۲۰۰۳، ساقط شدن دولت‌های استبدادی بن‌علی و معمر قذافی در تونس و لیبی، از عوامل مهمی بودند که به صورت ناخواسته، شیعیان را در محور تحولات جهانی‌شدن در منطقه قرار دادند. بنابراین علاوه بر عوامل یادشده، سه رویداد در این دوره نقش شیعیان را در بعد جهانی‌شدن پررنگ‌تر از گذشته نموده است:

نخست، افزایش بیداری شیعیان، در نتیجه طرح‌های گفتمان غرب به‌ویژه امریکا برای اصلاحات در کشورهایی که قسمت اعظم آن شیعیان هستند.

دوم، تلاش ایران به عنوان کشور شیعی مدرن و هسته‌ای برای متنوع ساختن روابط دوجانبه در خلیج فارس، موقعیت ژئوپلیتیک تشیع را گسترده و منطقی نشان

داد، به گونه‌ای که عقلانیت اجتماعی گفتمان سیاسی شیعی را برای جهان بیشتر جلوه‌گر ساخت. حضور یک‌پارچه ملت در انتخابات‌های متعدد، وزن ایران را در صحنه بین‌الملل بالا برده و تلقی جدیدی در جایگاه ایران ایجاد کرده است. با توجه به بحران‌های امنیتی فراگیر در منطقه و به هم‌ریختگی شگفت‌آور در کشورهای منطقه، بی‌تردید نقش‌آفرینی مبتکرانه ملت ایران در فرایند دموکراسی، نشان‌دهنده ثبات و استقرار امنیت در ایران شده است. (بابی سعید، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵)

سوم، کاهش قدرت آمریکا در عراق و حضور شیعه در حاکمیت این کشور با کسب سهم تاریخی کرسی‌های قدرت، موجب شد که گفتمان سیاسی شیعی با اتخاذ سیاست‌های جامع و بین‌المللی، به ایفای نقش در فرایند جهانی‌شدن بپردازد و در عرصه خارجی، استقلال بیشتری نشان دهد. عامل ایران، لبنان، سوریه، عراق و اخیراً یمن، نتیجه این روند بوده و ظهور دولت‌های شیعی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، نیروهای فراموش‌شده جهان عرب را به عناصر پرتوان و مؤثر تبدیل کرده است.

علاوه بر عوامل یادشده، امروزه جمعیت شیعه در منطقه خاورمیانه، به لحاظ کمی و کیفی رشد چشم‌گیری یافته و بیش‌تر جمعیت آن را به لحاظ باورهای مذهبی، شیعیان دوازده‌امامی در هند، ایران، عراق، جمهوری آذربایجان، لبنان، افغانستان، پاکستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عدن تشکیل می‌دهند.

در فرایند جهانی‌شدن گفتمان سیاسی شیعه، تقابل بلوک غرب چه به شکل ژئوپلیتیک (کنترل بر مخازن نفتی) و یا ایدئولوژیک، تهدیدی جدی در برابر همه جنبش‌های اسلامی و از جمله انقلاب اسلامی ایران بود که تبعات زیادی را به وجود آورد. شاید به همین دلیل، واشنگتن دو خط‌مشی را برای مبارزه با دنیای اسلام تشکیل داد: از یک طرف، تلاش فراوان برای بی‌اعتبار ساختن حکومت دینی ایران و

از طرف دیگر تقویت طالبان و داعش، تا بدین وسیله چهره اسلام و حاکمیت دینی را در افکار عمومی جهان تخریب نماید.

برخی رسانه‌های غربی معتقدند: واشنگتن در سال‌های اخیر، به ریاض به عنوان مؤلفه‌ای در سیاست مهار ایران نگاه می‌کرد، اما اکنون این استدلال برای حمایت از ریاض بسیار نخبه‌نا شده است؛ زیرا عربستان با بودجه نظامی ۸۱ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۴، در رتبه چهارم کشورها با بیش‌ترین بودجه نظامی در جهان، قادر است از خود در برابر ایران دفاع کند. بنابراین به عقیده این تحلیل، واشنگتن، باید به شکل دادن به رابطه‌ای بهتر با تهران ادامه بدهد و تعادل را به سیاست امریکا در خاورمیانه بازگرداند.<sup>۳</sup>

باید پذیرفت که معادلات امریکا در قبال شیعیان تغییر کرده و گفتمان سیاسی شیعه را به عنوان حامل ثبات، امنیت و دموکراسی در منطقه پذیرفته است. کنار آمدن امریکا با شیعیان در کشورهای حاشیه خلیج فارس بر مبنای تجربیات گذشته نیز شاخص این مدعا بوده و بر جهانی‌شدن گفتمان سیاسی شیعه تأثیر گذاشته است، بنابراین باید اذعان داشت که برقراری نظام‌های دموکراتیک، موجب تغییر در وزن سیاسی و منزلت ژئوپلیتیک جهان اسلام شده است. در این بین دموکراسی خواهی، به یکی از مطالبات جدی جنبش‌های اسلامی معاصر، تبدیل گشته و گفتمان سیاسی شیعه نیز در جهت دموکراتیزه کردن جوامع همراه شده است. ولی جریان رادیکال، تلاش می‌کند حرکت دموکراتیزه‌سازی را متوقف نماید. به این دلیل، به موضوع دموکراتیزه شدن به عنوان دومین متغیر در این بحث خواهیم پرداخت.

---

۳. جام نیوز/ «داگ بن‌داو» مقاله‌ای را با عنوان «زمان چرخش امریکا از عربستان به سمت ایران»، در نشریه نیوزویک به تاریخ ۹۴/۱۱/۱۲ منتشر کرده است.

### ب. دموکراتیزه‌گرایی گفتمان جهانی شدن

دموکراسی و جهانی‌شدن در بلوک غرب و شرق، صورت‌بندی جدیدی از سیاست در جامعه ملل ارائه کرده است. این صورت‌بندی با ارجاع به نشانه مرکزی نئولیبرالیسم، دال‌های سیاسی را معنا می‌بخشد. در تحلیل گفتمانی، جهانی‌شدن با دال مرکزی نئولیبرالیسم، گفتمان مسلط جهانی است که به طور موقت دال‌های سیاسی را در معنای لیبرالیستی به تثبیت رسانده است. از منظر سیاسی جهان نوین، جهانی بدون مرکز، بسیار پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر است. در چنین فضایی، رفتارها بر وضعیت کنش و واکنش مبتنا دارند و کم‌تر بر ساختار یا ایدئولوژی خاصی مبتنی هستند. دولت‌ها و ساختارهای ایدئولوژیک و ضددموکراتیک در پیوند دموکراسی و جهانی‌شدن، با مشکلات و محدودیت‌های دوچندانی مواجه خواهند بود که از بخش‌های مهم واپس‌گرایی در این فرایند به شمار می‌آید. بحران مشروعیت سیاسی گفتمان تسنن رادیکال را در چنین فضایی بهتر می‌توان به تحلیل نشست. به یقین جهان اسلام و گفتمان‌های جاری و به‌ویژه ضددموکرات در آن نیز عاری از این مشکلات نخواهد بود و در برخی نیز دچار واگرایی است. (دهقان، ۱۳۸۶) موضوع اجرایی کردن دموکراسی در جامعه اسلامی، یکی از مسائلی است که بیشتر پژوهش‌های شرق‌شناسان و نظریه‌پردازان مسلمان به آن توجه کرده‌اند. استاد مطهری به عنوان یک ایدئولوگ مسلمان، از همان آغاز انقلاب، درباره انقلاب اسلامی، حکومت دینی و جمهوری اسلامی، با مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی، نظریه‌پردازی کردند و به طور مشخص، هر دو مفهوم جمهوریت و اسلامیت را واکاوی نمودند و به بیان آن‌ها در آثار خود پرداختند. قید «جمهوری»، از دیدگاه استاد مطهری نقش مردم را معتبر و دخیل می‌داند و بر این نکته تأکید می‌کند که شکل حکومت و حاکم آن، باید توسط جمهور و اکثریت مردم به صورت موقت تعیین و انتخاب شود. این دو ویژگی یعنی



انتخاب حاکم و موقت بودن آن، منطبق بر نظام‌های دموکراسی جهان است؛ بنابراین مسأله «جمهوری»، از منظر استاد مطهری به شکل حکومت مربوط است که مستلزم نوعی دموکراسی است؛ یعنی این که مردم حق دارند سرنوشت خود را در دست بگیرند. (مطهری، شناخت انقلاب، ص ۲۰۱)

جان اسپوزیتو در میان شرق‌شناسان، در تبیین موضوع اسلام و دموکراسی، به مسائل آن شامل مطلق‌گرایی و خلافت اشاره کرده و ضمن پذیرش وجود بنیان‌های آزادی و برابری در اسلام، اعتقاد دارد که گفتمان دموکراسی در اسلام، بر اصول مهمی چون شورا، اجماع و اجتهاد مبتنی است که در قالب زمان و مکان‌ها با موقعیت‌های متفاوت، می‌تواند ظهور نماید. وی بر این نظر تأکید دارد که هیچ مدلی از دموکراسی جهان‌شمول در جهان وجود ندارد، حتی دموکراسی غربی نیز در کل جهان غرب پذیرفتنی نیست. تکثر دیدگاه‌های علمی و فقهی در اسلام، یکی از بنیادهای دموکراسی‌خواهی است و مفاهیم اختلاف، فتنه، اهل ذمه و اهل کتاب را باید از شاخص‌های ظرفیت تحمل‌پذیری مخالف در اسلام دانست. شناخت طرز تلقی جنبش‌های احیای اسلامی از مفهوم دموکراسی دارای اهمیت بسیار است. (اسپوزیتو، ۱۹۹۶، ص ۳۶)

در نقد رویکرد گفتمان‌تسنن‌رادی‌کال، باید بدانیم که در جهان کنونی، برداشت کوتاه‌فکرانه و محدود از مفاهیمی مانند دموکراسی، حتی برای نظام‌های دموکراتیک ریشه‌دار، بسیار خطرناک و محدودکننده است. نادیده انگاشتن ارزش‌نگرش‌های متفاوت، موجب شده که برخی در غرب، خود را وارثان واقعی دموکراسی مشروع بدانند و تأسیس دیگر دموکراسی‌ها را کاذب و غیردموکراتیک تلقی نمایند. (اسپوزیتو، ۱۹۹۶، ص ۳۷)

تحلیل‌های شرق‌شناسان در زمینه دموکراسی، القاءکننده توانمندی تمدن غرب در برابر تمدن اسلامی است که توانسته بر ضعف‌های برخاسته از ذات دین، بدان فائق

آید. به اعتقاد آنان، تمدن غرب با وجود اختلاف در عرصه‌های مختلف، به جمهوریت و دموکراسی دست یافته است و اگر گفتمان تسنن رادیکال همانند گفتمان سیاسی شیعه، به این مقوله ضروری در حیات سیاسی باز نگردد، بحران در جهان اسلام تشدید خواهد شد؛ بنابراین اگر دموکراسی را به مفهوم «مشارکت آزادانه مردم در تحرکات سیاسی و بهره مساوی از فرصت‌ها با تبعیت از اکثریت» تعریف کنیم، در آن صورت دموکراسی به پنج اصل زیر مبتنی خواهد بود:

۱. آزادی؛ ۲. انتخابات؛ ۳. قانون؛ ۴. تفکیک قوا؛ ۵. مشارکت و برابری.

گفتمان سیاسی شیعه، تلاش کرده است اصول پنج‌گانه دموکراسی را در حاکمیت سیاسی رعایت کند و نهادینه سازد، اما گفتمان تسنن رادیکال به این امر اهمیتی نداده و در حاکمیت سیاسی خود، به اقتدارگرایی روزافزون گرایش یافته و با اندیشه دموکراسی‌خواهی به مبارزه برخاسته است.

اگر نوع نگاه مسلمانان به حوزه سیاست متعارف باشد، در آن صورت دموکراتیزه شدن نیز رخ خواهد داد. مسلمانان باید حکومت و سیاست را امر بشری و عقلایی تلقی کنند. قرآن نیز قدرت و حکومت زمینی را پذیرفته و بر سه مقوله ایمان به خدا و روز قیامت و عمل صالح که محتوای پیام نبی اکرم صلی الله علیه و آله بود، در سوره والعصر بر آن تأکید کرده است. این تئوری می‌تواند جهان اسلام را دموکراتیک کند و مطالبات جنبش‌های اسلامی را تأمین نماید و هم‌گرایی در میان آنان را توسعه دهد. (شبستری، قرائت رسمی از دین، ص ۱۵۳)

دموکراسی یک شیوه حکومت است که مردم می‌کوشند در مقابل حکومت‌های دیکتاتوری، با این شیوه، قدرت سیاسی را به صورت مسالمت‌آمیز به چرخش درآورند و دوران آن را استمرار بخشند. (شبستری، همان، ص ۱۰۸) بنابراین گفتمان تسنن رادیکال با محوریت عربستان، نباید در مسیر دموکراتیزه شدن با مطالبات اغلب

جنبش‌های اسلامی معاصر، مخالفت نماید. این تغییر استراتژیک در راهبردهای گفتمان یادشده، زمینه هم‌گرایی را میان سایر گفتمان‌ها از جمله گفتمان سیاسی شیعی، فراهم خواهد نمود و به بسیاری از چالش‌های سیاسی پایان خواهد داد.

امروز در قلمرو جغرافیای سیاسی جهان اسلام، بیش از ۱۹۰ جنبش اجتماعی ضداستعماری و هویت‌خواه وجود دارد که خواهان تحول و تغییر هستند. (دکمجیان، ۱۹۸۵، ص ۸۵) جالب توجه این‌که اغلب جنبش‌های اسلامی همانند جنبش‌های شیعی، با معیارهای دموکراتیک و استانداردهای دموکراسی گفتمان جهانی، سازگاری بیشتری از خود نشان داده‌اند که تحولات دموکراتیک در عرصه سیاسی ایران و عراق که با خواست آرای عمومی پیوند برقرار کرده، از مصادیق آن است.

انقلاب اسلامی ایران در کشوری متمدن و پیشرو استقرار یافته که طبقه متوسط آن، نگاه مثبتی به گفتمان جهانی دارند و در مقایسه با استانداردهای منطقه، جامعه‌ای باز و کثرت‌گرا هستند. هر کشوری مانند ایران که در آن زنان نزدیک به ۶۰٪ جمعیت دانشجویان را تشکیل دهند، از پتانسیل زیادی برخوردار است که نباید به راحتی از آن چشم پوشید.

بنابراین تحول دموکراتیک، از نیازهای اساسی جوامع امروزی است که گفتمان‌های اسلامی باید برای استمرار حیات سیاسی خود بدان اهتمام ورزند و ساختارهای آن را در قلمرو حاکمیت خود فراهم نمایند. موضوع دموکراتیزه کردن جامعه به‌ویژه برای جوامع شاه‌سالار و قبیله‌سالار، یک راه‌کار برای برون‌رفت از بحران‌های سیاسی جدی‌تر در آینده است که در این مقاله به عنوان یک وجه اشتراک در گفتمان‌ها منظور شده و موفقیت ایدئولوژی‌های اسلامی، بخشی از آن است که برخی متفکران به آن اشاره کرده‌اند. (راینهارد، ۱۳۸۹، ص ۳۰۳)

### ج. تسنن رادیکال و ناامنی اجتماعی در جهان معاصر

فرایند تکامل ساختار قدرت در مکتب تشیع، جریان بازتولید سلفی‌گری معاصر را نیز تشدید کرده و نوعی رقابت شدید میان گفتمان تسنن رادیکال و گفتمان سیاسی شیعی را افزایش داده است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را از عناصر اصلی بازتولید سلفی‌گری رادیکال در چند دهه اخیر دانست. قدرت سیاسی گفتمان تسنن رادیکال، مشابه تاریخی آن در دوران امویان، عباسیان، سلجوقیان و عثمانی‌ها، در واکنش به قدرت گفتمان سیاسی شیعه همانند آل‌بویه، فاطمیان، حمدانیان، صفویان و علویان، در راستای ساخت دو قطب و دو قرائت از اسلام که یکی شریعت‌محور و فقه‌گراست و دیگری طریقت‌محور و عرفان و تصوف‌گراست، بار دیگر در نیم قرن اخیر، عینیت یافت و جهان معاصر اسلام را به دو قطب ایدئولوژیک تقسیم کرد.

ایدئولوژی عربستان، بر مبنای تغذیه فکری نیروهای رادیکال افراطی استقرار یافته است. عربستان کنونی، تهی از دموکراسی و مملو از قوانین یک‌جانبه سلطنتی است. در کوتاه‌مدت، منطق حکم می‌کند که اسرائیل پیوندهای خود را با ریاض برای خنثی‌سازی هژمونی ایران، تحکیم کند.

امروز گفتمان تسنن رادیکال، با مرکزیت جغرافیایی سیاسی ریاض شناخته می‌شود. نگاه جامعه‌شناسانه به ساختار داخلی عربستان، حاکی از آن است که این کشور هم‌چون بسیاری از کشورهای عربی منطقه، فاقد مشروعیت سیاسی برای تداوم ثبات سیاسی است. تضاد و چالش اجتماعی با معیارهای دموکراتیک در میان گفتمان تسنن رادیکال، به‌ویژه وهابیت سلفی، طالبان، القاعده و جنبش جدید داعش، چشم‌گیر و گسترده است. همین شاخص، زمینه و آگرایی آنان در عرصه جهانی با نظام بین‌الملل تلقی می‌شود.

گفتمان تسنن رادیکال در اثر تشدید رقابت با گفتمان سیاسی شیعی، درگیری‌های فرقه‌ای و مذهبی را در درون امت اسلامی، افزایش داده و موجب بحران‌های بزرگ در جهان اسلام شده است. تمرکز آنان به جنگ مذهبی (به عنوان ریشه بحران) به جای تأمین مطالبات جنبش‌های اسلامی، نشان‌دهنده اشتباه راهبردی آنان است. تسنن رادیکال، به جای صرف انرژی مبارزاتی خود با جبهه الحاد و تأمین مطالبات دموکراتیک مردم، به منازعات فرقه‌ای و مذهبی روی آورده است. امروز افکار عمومی جهان، با حملات تروریستی یک دهه اخیر داعش و القاعده، رنجیده‌خاطر شده و به همین دلیل، اسلام‌هراسی نیز در جهان افزایش یافته است. تهاجم ریاض به نیروهای حوثی یمن نیز با ادعای دخالت ایران در کشورهای عربی، در این جهت تحلیل می‌گردد. این اقدام رادیکال، ضمن این که سیاست‌گذاران جهان را آزرده‌خاطر کرده است، به ضرر امت اسلامی تمام شده و تأمین‌کننده منافع پارادایم بلوک غرب خواهد بود. تناقض موجود در سیاست جهان غرب نیز این است که عربستان را که رادیکال و دموکرات‌ستیز است، متحد خود در منطقه قرار دهد، اما به دلیل اشتراکات دموکراتیک و ذخایر کربونیک روی ایران در آینده سرمایه‌گذاری کرده است. (فاینشال تایمز، ۱۹/۱۰/۱۳۹۴)

بنابراین نگارنده، بر این باور است که سیاست‌های رادیکالی در گفتمان یادشده، هیچ‌گاه مصالح جهان اسلام را تأمین نکرده، بلکه این سیاست (از سوی هر جریان اسلامی اعم از شیعه و سنی) نوعی انحراف از اصول اسلامی بوده و زمینه برخی بحران‌های سیاسی - اجتماعی در کل جهان را فراهم آورده است. در این بین، بررسی خاستگاه عملکرد رادیکالیسم این گفتمان نیز در فهم موضوع محوری مقاله مفید خواهد بود.

خشونت افراطی و «تروریستی» در جهان معاصر، که به نوع خاصی از رادیکالیسم اشاره دارد که گروه‌های اسلام‌گرای دهه ۱۹۹۰ با توسل به اقدامات تروریستی، آغاز کرده و سبب تغییر و تحول عمده‌ای در جهان اسلام شده‌اند. خشونت افراطی ناشی از سال‌های جهاد با شوروی در افغانستان و ترکیب دو جریان اسلام‌گرایی مغرب و مشرق عربی بوده است. علت اصلی رواج خشونت‌گرایی برخی گروه‌های اسلام‌گرا، ترکیب تجربه‌های سازمانی و ایدئولوژیک جریان‌های اسلام‌گرای مشرق و مغرب عربی در اواخر سال ۱۹۸۹ و اوایل دهه ۱۹۹۰ بوده است. تحولات افغانستان در نیمه دوم دهه ۸۰ و نیمه اول دهه ۱۹۹۰ نقش عمده‌ای در گرایش جریان‌های اسلام‌گرا به سوی خشونت‌گرایی افراطی بازی کرده است. این روند، خشونت فرقه‌ای را در صدر برنامه‌های سیاسی جنبش اسلامی سلفی قرار داد.

شرق و غرب عربی، در دو حوزه مهم جریان اسلام‌گرایی سیاسی در جهان عرب قرار دارد که بر سایر کشورهای عربی نیز تأثیر گذاشته است. این دو حوزه، یکی مصر است که در بخش غربی جهان عرب قرار دارد و دیگری عربستان سعودی است که در بخش شرقی آن قرار دارد. هر دو کشور در طول قرن بیستم، شاهد ظهور گسترده عناصر اسلام‌گرا بوده و بر سایر جریان‌های اسلام‌گرای عربی تأثیر گذاشته‌اند. بنابراین افغانستان، میعادگاه تجمع گروه‌های عمده اسلام‌گرای مشرق و مغرب عربی بود که برای مبارزه با اشغال شوروی به آنجا آمده بودند و در جریان سال‌های جهاد به یک‌دیگر نزدیک شدند. (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴)

در دو دهه گذشته نیز چندین حادثه بزرگ در خاورمیانه به عنوان خاستگاه سلفی‌گری رادیکال معاصر به وقوع پیوست؛ مانند حمله عراق به کویت، حوادث بالکان و پس از آن حمله امریکا به افغانستان و عراق و شکل‌گیری پدیده تروریسم و خشونت‌گرایی در قالب القاعده، طالبان و داعش، که در گفتمان تسنن رادیکال نمایان شده است.

حوادث یادشده، توازن قوا بین قدرت‌های بین‌المللی را به وجود آورد. روبه‌رو شدن غرب در جریان اصلاح‌طلبی اوکراین و شروع جنگ سرد جدید بین روسیه و امریکا در جزیره کریمه، موجب تشدید بحران موازنه قدرت امریکا در خاورمیانه شد و خلأ قدرت در خاورمیانه را به وجود آورد. اکنون این خلأ قدرت، در حال تبدیل به یک زلزله سیاسی بزرگ در منطقه است. چنین وضعیتی، زمینه مناسبی برای فرصت‌طلبی برخی کشورهای منطقه مانند دولت غاصب اسرائیل پدید آورده است. به همین دلیل، به نظر می‌رسد روبه‌روکردن اعراب با ایران و یا جنگ شیعه و سنی، فتنه‌ای بزرگ است که با برنامه‌ریزی مشترک اسرائیل و برخی کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تحقق یافته است. هدف اصلی طراحان این برنامه، بحران‌سازی علیه جهان اسلام در منطقه است که باید همگان در برابر آن هوشیاری به خرج دهند.

از سوی دیگر، میزان بالای توجه بازی‌گران مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی به داعش نیز ناشی از تهدیدات بالقوه این گروه تروریستی است، اما بی‌توجهی به سایر گروه‌های تروریستی مانند جبهه النصره درگفتمان تسنن رادیکال، در بلندمدت تبعات امنیتی زیادی در خاورمیانه و سایر نقاط جهان خواهد داشت. القاعده را می‌توان مادر تمامی گروه‌های رادیکال و تروریستی دانست که چندین دهه، وحشت را در تمامی نقاط جهان به وجود آورده‌اند؛ شبکه‌ای از گروه‌های وابسته به خود در خاورمیانه و افریقا که تمامی توجهات را به خود معطوف کرده بود.

بنابراین حوادث سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی، بدترین نوع خشونت ناشی از گفتمان تسنن رادیکال را نشان می‌دهد که جنگ‌های نیابتی، از مهم‌ترین آثار این اندیشه معیوب است. آنان طی دو دهه اخیر، به منظور جلوگیری از ایده لبنانی‌سازی افغانستان نمودار شد که برخی از نیروهای جهادی به منظور کنترل فعالیت ایران در

این کشور نقش آن را به عهده داشتند و اخیراً نیز در سوریه و یمن به صورت برجسته آشکار شده است. اقدامات رادیکالی از سوی هر جریان اسلامی صورت بگیرد، پایان آن به نفع جهان اسلام نخواهد بود. جنگ مذهبی اخیر که به صورت نیابتی انجام می‌گیرد، منافع راهبردی پارادایم الحاد را تأمین می‌کند.<sup>۴</sup>

خبرگزاری خرداد به نقل از سایت «ویژن آو هیومنیتی»، نتایج ارزیابی و رتبه‌بندی سالانه خود را درباره میزان مخاطرات تروریستی در کشورهای مختلف به نمایش گذاشت.<sup>۵</sup> شاخص بررسی در این ارزیابی، میزان مرگ و میر و شدت صدمات ناشی از حملات تروریستی و میزان خسارات وارده به اموال و هم‌چنین رتبه‌بندی آسیب‌های طولانی‌مدت را نشان می‌دهد. داده‌های این ارزیابی، از پایگاه دانشگاه مرلند بوده که بیش از ۱۲۵ هزار حادثه تروریستی را گردآوری کرده است.

در این ارزیابی، داعش و بوکوحرام مسئولیت ۵۱٪ از حملات تروریستی سال ۱۳۹۴ را بر عهده داشته‌اند. عراق، افغانستان و نیجریه، در صدر کشورهای خطرناک از نظر حملات تروریستی قرار گرفته‌اند. در این فهرست عراق با بیش از ده هزار تلفات سالانه ناشی از حملات تروریستی در صدر جدول است و افغانستان در رتبه دوم، پاکستان و سوریه در رتبه‌های چهارم و پنجم، یمن رتبه هفتم، لیبی رتبه نهم، مصر رتبه سیزدهم، روسیه و اسرائیل در رتبه‌های بیست و سوم و بیست و چهارم، ترکیه در رتبه بیست و هفتم، امریکا سی و پنجم، ایران و فرانسه در رتبه سی و نهم، عربستان سعودی رتبه چهل و سوم، جمهوری آذربایجان رتبه نود و سوم امارات رتبه صد و یکم، را به خود اختصاص داده‌اند.

۴. ناصر قنديل تحليل‌گر برجسته مسائل خاورميانه، در روزنامه البناء لبنان، اعتقاد دارد که در وضعیت

کنوني خاورميانه، «راهبرد بی‌سابقه وحدت جنگ» در سطح منطقه نمایان شده است. ۲۰۱۵ میلادی.

5. <http://www.khordadnews.ir>. [www.visionofhumanity.org](http://www.visionofhumanity.org).



نامنی اجتماعی ناشی از بحران فرقه‌گرایی و اختلاف‌های مذهبی، علاوه بر این که مهم‌ترین راهبرد استراتژیک منطقه را با تهدید مواجه کرده، پیکربندی جدیدی از موازنه قدرت را در میان کشورهای اسلامی خاورمیانه رقم زده است. قومیت‌گرایی، از دیگر پیامدهای این بحران است که با هدف پایان بخشیدن به ایدئولوژی اسلامی در حال گسترش است. (راینهارد، ۱۳۸۹، ص ۳۲۴)

به نظر می‌رسد دو حادثه همزمان در بخش شرق عربی اتفاق افتاده که اولی نوعی «انقلاب نرم» تلقی می‌شود که قدرت را از دستان سالخوردگان خاندان سلطنتی سعودی خارج کرده و در دست طبقه جدیدی قرار داده که متحدان نیرومندی در خارج از خاندان و به‌ویژه در بخش دینی و نظامی و امنیتی دارند. دومی نیز پس از آغاز تحولات در جهان عرب و بحرانی شدن اوضاع در کشورهای با نفوذ عربی، به ویژه مصر و عربستان، به مرکز ثقل جهان عرب تبدیل شده است. وضعیت کنونی نظام حاکم بر ریاض، چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ دینی و قومی، اکثر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس را از سر آکراه و یا اختیار، در دایره قدرت اتحادیه خود قرار داده است. به هر حال در وضعیت کنونی که رابطه دوجانبه ایران و عربستان به عنوان خاستگاه اصلی دو گفتمان یادشده به سطح بحرانی رسیده، باید چاره‌ای اندیشید و به دور از احساسات و افراط و تفریط، با احتیاط بیشتری به آینده جهان اسلام نگریست.

## نتیجه

در قرن حاضر شاهد فرایند تکامل نظری و عملی در گفتمان اسلام‌گرایی سیاسی جهانی شیعه هستیم که با تکیه بر معیارهای استاندارد جهانی، از معیار عقلانی دموکراتیزه‌سازی جامعه برخوردار شده است. رقابت گفتمان تسنن رادیکال با گفتمان اسلام‌گرایی سیاسی جهانی شیعه، علی‌رغم به وجود آوردن پیامدهای مهم برای جهان اسلام، موفق به متوقف ساختن این حرکت پویا نشده، در حالی که یکی از بهترین راه‌کارها در برون‌رفت از بحران سیاسی معاصر در جهان، به رسمیت شناختن نقش مردم در سرنوشت خود است. این امر در قالب دموکراسی و یا مردم‌سالاری محقق خواهد شد.

کشورهای اقتدارگرا و مستبد، باید در حوزه سیاست خارجی، همواره چندجانبه‌گرایی را برای تأمین منافع بازی‌گران مهم اجتماعی و ایجاد صلح و هم‌بستگی، به یک‌جانبه‌گرایی ترجیح دهند. این مهم در شیوه جهانی‌گرایی انقلاب اسلامی و مکتب آنال به چشم می‌خورد که در رفع بحران از جهان اسلام نیز کارکرد مؤثر خواهد داشت؛ آن‌گونه که در نوسازی گفتمان غرب سودبخش بوده است.

شکل‌گیری گروه‌های تروریستی القاعده، داعش، بوکوحرام و سایر تندروهای نوظهور، نتیجه اختلافات مذهبی و افراط‌گرایی است که در عطف به تحولات معاصر و از جمله رقابت‌های ایدئولوژیک، در جهان معاصر اسلام صورت گرفته است. در تحلیل علل آن باید دانست که تحجر مذهبی همیشه خطرآفرین بوده و شاید به همین دلیل، هیچ اجباری در هیچ دینی پذیرفته نیست و خداوند در جزیره العرب که جاهلیت در آن حاکم بود، فرمودند: «لا اکراه فی الدین» و امروز مسلمانان نیز بر مبنای تعاملات بین‌المللی، باید به سایر ادیان آسمانی و تقریب مذاهب احترام گزارند.

منازعات قومی و فرقه‌ای، بیش‌تر از عوامل بیرونی مانند تهاجم صلیبی‌ها و مغول‌ها به جهان اسلام، خسارت وارد کرده است. در اثر این منازعات، سیادت سیاسی جهان اسلام، به شدت تضعیف و دچار رکود شده است. سرزمین‌های مکه، مدینه، قاهره، شام، بغداد، خراسان و غیره، همواره شاهد منازعات سیاسی فرقه‌ها و اقوام گوناگون مسلمان بر سر قدرت بوده است؛ بنابراین هنوز واگرایی فرقه‌هایی چون: داعش، طالبان، القاعده و النصره، نظام بین‌الملل اسلامی را در مسیر منافع پارادایم غرب به چالش فراخوانده و انرژی درونی آن را در مسیر توسعه ناامنی اجتماعی معاصر قرار داده است. هم‌گرایی کشورهای اسلامی به‌خصوص ایران، ترکیه، مصر و عربستان در خاورمیانه و اجماع آنان بر معیار دموکراتیزه‌سازی جامعه، می‌تواند به نفع مصالح جهان اسلام باشد و تهدیدات آن را به فرصت تبدیل نماید. باید دو گفتمان اسلامی تسنن و تشیع، به رویکردی دموکراتیک اهتمام ورزد که اساس مطالبات جنبش‌های اسلامی معاصر را تشکیل می‌دهد و مطالبات جنبش‌های اسلامی را در نظر گیرد. پرهیز از گسست تاریخی و تأکید بر چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، حاکی از این ضرورت حیاتی است.

تلاش پشت پرده سرویس‌های امنیتی، برای ایجاد اختلاف مذهبی در جهان اسلام، در قرینه انسجام و هم‌بستگی اسلامی، صورت می‌گیرد تا از این طریق جهان اسلام، به جای وحدت، در اختلاف مستمر به سر ببرد و انرژی گسترده خود را صرف بحران‌های درونی نماید. هم‌گرایی یا واگرایی حامیان مذاهب، نقش تعیین‌کننده‌ای در تفرقه یا اتحاد ملی در قلمرو حاکمیت آنان ایفا خواهد کرد و بهترین شیوه، همان دموکراتیزه‌سازی است که گفتمان شیعه و بخش عمده جهان اسلام بر آن تأکید دارند.

بحران اخیر میان ریاض و تهران، نتیجه بحران‌های متراکم از انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ نیست، بلکه رویارویی نیابتی است که میان یک‌دیگر به وجود آمده است. پذیرش دموکراسی اسلامی از سوی عربستان و دموکراتیزه‌سازی جامعه آن نیز راه‌حل مؤثری در رفع بحران ریاض و تهران خواهد بود.

در سال‌های اخیر، «طوفان قاطع»، نخستین پیامی بود که ریاض برای واشنگتن و تهران صادر کرد. این پیام به‌ویژه هنگامی اهمیت یافت که ایران وارد حیات خلوت عربستان در یمن شد. در چنین فضایی، اقدامات خطرناک ریاض، دیگر ناگهانی محسوب نمی‌شود، زیرا ریاض می‌خواهد این موضوع را در عمل مشاهده کند.

بحران خاورمیانه در لبنان، بحرین، سوریه، عراق، پاکستان و یمن، با این مسأله، پیوند خورده است. به یقین، راه‌کار سیاسی برای خروج از بحران یادشده، عملکرد دموکراتیک و سیاست دموکراتیزه‌سازی است. تقابل تهران و ریاض، شاه‌کلید مسأله به‌شمار می‌آید که اگر بحران میان آن دو، با هوشمندی رهبران جهان اسلام به صورت بنیادی مرتفع شود، مشکلات موجود میان دوگفتمان یادشده در قلمرو گسترده کاهش خواهد یافت و جنگ‌های نیابتی نیز به پایان خواهد رسید و مقدمات صلح و دوستی، امنیت پایدار و پیشرفت و ترقی در میان ملت‌های مسلمان افزایش خواهد یافت. به امید روزی که انقلاب بدون خون یعنی دموکراسی؛ به سرعت در مناطق بحرانی جهان اسلام، جایگزین هرگونه خشونت و جنگ شود و همگان به آراء عمومی احترام گزارند.

## فهرست منابع

۱. احمدی، حمید، *جامعه‌شناسی جنبش‌های اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
۲. \_\_\_\_\_، *ریشه‌های بحران در خاورمیانه*، تهران: کیهان، ۱۳۶۹.
۳. اسپوزیتو، جان وال، «اسلام و دموکراسی»، *دائرة المعارف دانشگاه آکسفورد*، ۱۹۹۶.
۴. \_\_\_\_\_، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، ترجمه احمدوند، چ ۴، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲.
۵. اسماعیلی، حمیدرضا، *القاعده*، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۶.
۶. ای فولر، گراهام و فرانکه، رند رحیم، *شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده*، ترجمه خدیجه تبریزی، قم: شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.
۷. آلفرد تایر ماهان، مقاله «دشواری‌های خلیج فارس برای انگلیس»، *نشریه نشنال ریویو*، ۱۹۰۲ م.
۸. بابی سعید، *هراس بنیادین*، ترجمه جمشیدی‌ها، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۹۰.
۹. بهروز لک، *غلامرضا، «جهانی شدن و سرانجام گفتمان‌ها»*، *فصل‌نامه سیاسی*، ش ۲۸، زمستان ۱۳۸۳.
۱۰. حقیقت، صادق، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۹۱.
۱۱. درخشه، جلال، *گفتمان سیاسی شیعه معاصر*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۴.
۱۲. دکمچیان، ریچارد هرایر، *اسلام در انقلاب*، ترجمه احمدی، تهران: کیهان، ۱۹۸۵.
۱۳. دهقان، محمود، «اقتصاد سیاسی بین‌المللی در عصر جهانی شدن»، *نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۷، خرداد ۱۳۸۶.
۱۴. راینهارد، شولتسه، *تاریخ جهان اسلام در قرن بیستم*، ترجمه توفیق، تهران: نشر مطالعات علمی - فرهنگی، ۱۳۸۹.
۱۵. *روزنامه تایمز*، لندن و مکاتبات رسمی دولت‌های انگلیس و امریکا - آلاسدایر، ص ۲۰، سال ۱۳۷۰.
۱۶. *روزنامه کیهان*، پیامدهای اعدام آیت‌الله نمر برای آل سعود، ۱۳۹۴/۱۰/۱۷.
۱۷. سجادی، عبدالقیوم، *درآمدی بر اسلام و جهانی شدن*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۸. سیدقطب، *نشانه‌های راه*، ترجمه محمود محمودی، تهران: نشر احسان، ۱۳۷۸.
۱۹. *فایننشال تایمز*، عربستان یا ایران؛ پاردوکسی که غرب درگیر آن است، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹.

۲۰. کدیور، جمیله، تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، چاپ دوم، تهران: طرح نو، ۱۳۸۷.
۲۱. کمالی اردکانی، علی‌اکبر، «گفتمان سیاسی شیعه»، دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵، ۱۳۸۶.
۲۲. کیانی، داوود، «فرهنگ جهانی؛ اسطوره یا واقعیت»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۰.
۲۳. \_\_\_\_\_، اسلام‌گرایی در غرب، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۲.
۲۴. منسفیلد، پیترو، تاریخ خاورمیانه، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، تهران: علمی - فرهنگی، ۱۳۸۸.
۲۵. مودودی، ابوالاعلی، تجدید و احیای دین، ترجمه سلیم قنبر زهی، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۳.
۲۶. موسوی، سیدمحمد، «تحول گفتمان سیاسی تشیع در قرن بیستم»، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق تهران، شماره یکم، بهار ۱۳۸۷.
۲۷. واعظی، حسن، اصلاحات و فروپاشی، چ ۳، تهران: سروش، ۱۳۷۹.
۲۸. وو بینگ بینگ، تشیع، ظهور اسلامی‌گرایی مدرن، پکن: انتشارات علوم اجتماعی چین، ۲۰۰۴.
۲۹. هالم، هاینس، تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری، قم: نشر ادیان، ۱۳۸۹.
30. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook>.
31. Paul Goble, a specialist on ethnic minorities in the Russian Federation.
32. National Review.1902.
33. The Cambridge History of Islam (2 Vols, Cambridge, 1917).
34. wikipedia.org.
35. John, L. Esposito. Ed., The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World (New York Oxford University Press, 1995).
36. Abul Ala, Maududi,(political The0ry of Islam), in khorshid Ahmad, ed. Islam: Its Meaning and Message(london: Islamic Council of Europe, 1976), pp.159-160.